

کنسرواتیزم و مشابهت‌های مضامین «کلیله و دمنه» و «مرزبان‌نامه» با آن

خدیجه اطمینان

دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور- واحد مرکز تهران

چکیده

کنسرواتیزم (محافظه‌کاری) مکتبی است که بر نابرابری انسان‌ها با یکدیگر تأکید می‌کند و آن را انگیزه اصلی سعی و کوشش آدمیان در زندگی می‌داند. در این مکتب، مالکیت همچون خانواده و مذهب اموری مقدس شمرده می‌شود. محافظه‌کاری سلطه دولت را همچون سلطه پدر می‌داند، به تعبیری می‌توان اساسی‌ترین ویژگی محافظه‌کاری را حفظ وضعیت موجود و احتیاط در نیل به وضع مطلوب دانست. گرچه کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه به نمونه و الگویی متفاوت از کنسرواتیزم متعلق است، اما سعی شده است تا امکان تطبیق این دو اثر با مضمون یادشده (کنسرواتیزم) در نظر و نگاهی روش‌شناسانه پی‌گرفته شود. به نظر می‌رسد این دو کتاب مملو از مضامینی است که با مفهوم کنسرواتیزم سازگارند.

کلیدواژه‌ها: کنسرواتیزم، محافظه‌کاری، سیاست، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه.

تاریخ دریافت مقاله: 86/7/4

تاریخ پذیرش مقاله: 86/12/15

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است. استاد راهنما: دکتر علی اصغر حلبی. استادان مشاور: دکتر پدرام (علی) میرزایی، دکتر فاطمه کوپا.

Email: etminan2803@yahoo.com

مقدمه

کنسرواتیزم در میان مکتب‌های سیاسی اروپا، در کشور انگلستان جایگاهی ویژه دارد، به گونه‌ای که حزب محافظه‌کار انگلیس، یکی از احزاب بزرگی است که طرفدار حکومت اشراف است و اصل و نسب را برای حفظ قدرت، شرطی لازم و اساسی می‌داند.

کنسرواتیزم هرگز سنت‌شکنی را روا ندانسته و با آرمان‌گرایی¹ مخالف است. این مکتب سیاسی معتقد است که تجربه‌های نیاکان کنارگذاشتنی نیست، بلکه باید پشتوانه‌ای برای برداشتن گام‌های بلند موفقیت و سربلندی

¹. Idealism

باشد.

شکل‌گیری و پیدایی کلیه و دمنه و مرزبان‌نامه نیز محافظه‌کارانه است، زیرا در کلیه و دمنه، برهنه با نقل حکایت‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی سعی در حفظ قدرت و حکومت رای هند را دارد. در مرزبان‌نامه نیز، مرزبان - برادر پادشاه - با نقل حکایت‌های تمثیلی قصد دارد او را محافظه‌کارانه حفظ کند.

در دل حکایت‌های کلیه و دمنه و مرزبان‌نامه نیز بیشتر با مشاوران یا وزیرانی روبه‌رو هستیم که با درایت خود، شاه (شیر) را در حل مشکلات مملکت یاری می‌کنند که نتیجه آن حاکمیت صلح و آرامش بر جامعه و در نهایت حفظ قدرت موجود - حکومت - است.

محافظه‌کاری یا کنسرواتیسم

کنسرواتیسم^۲ از کلمه Conserve در زبان انگلیسی به معنی حفظ گرفته شده است. این عنوان به گروهی اطلاق می‌شود که ترتیب سیاسی و اجتماعی موجود را، به‌ویژه اگر سابقه طولانی داشته باشد، محترم شمرده و در حفظ آن می‌کوشند.

کنسرواتیسم در سنت سیاسی انگلستان پایگاه قوی و مشخصی دارد. استعمال عنوان محافظه‌کار (کنسرواتیو) در انگلستان از سال‌های 1830 تا 1840 آغاز شد و از آن زمان این عنوان جای عنوان تاریخی «توری»^۳ را گرفت، اگرچه واژه اخیر نیز یک‌باره از رونق نیفتاد.

در سیستم سیاسی انگلستان، حزب محافظه‌کار همواره یکی از احزاب بزرگ بوده است و مردانی چون ادموند برک^۴، کولریچ، پیل و دیزرائلی در تکوین سنت محافظه‌کاری سیاسی انگلستان سهم بزرگی داشته‌اند. کنسرواتیسم در برابر تندروی انقلابی بودن است و این مهم‌ترین و اساسی‌ترین خصوصیت آن است.

به نظر یک محافظه‌کار، انقلابی‌ها و تندروها (رادیکال‌ها) براساس هدف‌های صرفاً نظری و مکتبی می‌خواهند بسیاری از نهادهای اجتماعی^۵ را از بین ببرند و هیچ‌چیز خطرناک‌تر از به کار بردن زور برای تحقق ایده‌آل‌ها نیست (آشوری 1368: 138). همه ایدئولوژی‌های محافظه‌کارانه به نوعی قائل به وجود نابرابری در بین افراد بشر هستند و به عبارتی، نوعی از «حکومت اشرافیت» را پذیرفته‌اند. به اعتقاد آنان حکومت باید در دست خانواده‌های شایسته باشد و مهم‌ترین نشانه شایستگی خانواده‌ها، ثروتمند بودن آنهاست، به این ترتیب در حکومت‌های محافظه‌کار، درواقع، قدرت در دست چندین خانواده قرار داشت و اصل بر حسب و نسب بود.

کنسرواتیسم بر این باور است که سنت‌های پدیدآمده در جوامع، بیهوده و عبث نیستند، بلکه سنت امروز، عقل

^۲. Conservatism

^۳. Tory

^۴. Edmund Burke

^۵. Institutions

و اندیشهٔ دیروز است. بنابراین نباید سنت‌ها را یک‌شبه دور ریخت، بلکه آنها پشتوانهٔ زندگی انسان بوده و براساس این سنت‌هاست که زندگی ما ساده‌تر و راحت‌تر می‌شود.
پدر محافظه‌کاری، ادموند برک - فیلسوف انگلیسی قرن هجدهم - در کتاب تأملاتی در باب انقلاب فرانسه می‌گوید:

ما نمی‌توانیم هر روز از صفر شروع کنیم و همهٔ تجربیات گذشتگان و سنت‌ها را کنار بگذاریم و خودمان بازاندیشی کنیم. اگر قرار بود چنین شود، بیشتر دقت ما صرف تصمیم‌گیری می‌شد و عملاً هم بیشتر رفتارهای ما سنتی است و به طور ناخودآگاه عادات و رسوم را انجام می‌دهیم. (علیزاده 1377: 82-83)
در سیاست انگلستان، قدرت کنسرواتیویم تا بدانجاست که امروزه نیز برخلاف دیگر کشورهای اروپایی و غیراروپایی، مردم آن طرفدار استمرار حکومت سلطنتی هستند.
به گفتهٔ دیزرائلی، «انقلابی‌ها، نهادهای سیاسی را بر اصول مجرد و علم نظری بنا می‌کنند، به‌جای آن‌که اجازه دهند که آنها خود از جریان رویدادها بیرون آیند و نیازهای ملت، آنها را به طور طبیعی بیافریند.» (همان)
«خطرناک‌تر از همهٔ این اصول مجرد، باور به کمال مطلق است. زیرا هیچ چیز به اندازهٔ نمای خیره‌کنندهٔ آرمان شهر برای پیشرفت واقعی زیان‌بار نیست. سیاست در عمل بسیار ناتوان است و هیچ چیز خطرناک‌تر از به‌کار بردن زور برای تحقق آرمان‌ها نیست.» (همان)
آنچه مسلم است محافظه‌کاری را نباید با ارتجاع و گذشته‌گرایی اشتباه گرفت، زیرا که دایرهٔ شمول این دو مقوله از هم جداست. (همان)

اصول ایدئولوژی محافظه‌کاری را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

1- ضدیت با عقل‌گرایی

محافظه‌کاران عقل انسان را در برابر عقل کلی‌تر نهفته در سنت یا مذهب بی‌ارزش می‌شمارند.

2- دفاع از مذهب

به نظر محافظه‌کاران، مذهب و محافظه‌کاری هر دو بر نقص معرفت انسان و ضرورت پاسداری از سنت‌ها و سلسلهٔ مراتب اقتدار تأکید می‌کنند.

3- نابرابری طبیعی انسان‌ها

از نظر محافظه‌کاران، نابرابری‌های اجتماعی لازمهٔ پیشرفت جامعه است زیرا نابرابر شدن، انگیزهٔ اصلی کار و کوشش انسان‌هاست.

4- قداست مالکیت

محافظه‌کاران مالکیت را هم‌چون خانواده و مذهب، نهادی مقدس می‌شمارند.

5- نگرش پدرسالارانه

محافظه‌کاران دولت را ادامهٔ خانواده و سلطهٔ آن را از نوع سلطهٔ پدری تلقی می‌کنند. (شیریه 1384: 122)

کنسرواتیزم، اساس پیدایش کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه

شکل‌گیری کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه براساس اندیشهٔ محافظه‌کارانه است، زیرا:

الف) گفت‌وگوی رای هند و برهمن - که در حقیقت گفت‌وگوی پادشاه و برهمنی محافظه‌کار و خواهان حفظ حکومت و قدرت فعلی است - اساس بنیادی حکایت‌های کلیله و دمنه است.

از زبان نصرالله منشی بشنوید:

رای گفت برهمن را که: ... اکنون اگر دست دهد بازگوید از جهت من مثل دشمنی که بدو فریفته نشاید گشت، اگرچه کمال ملاحظت و تضرع و فرط مجاملت و تواضع در میان آرد... برهمن گفت: خردمند به سخن دشمن التفات ننماید و زرق و شعوهٔ او را در ضمیر نگذارد و هرچه از دشمن دانا ... تلطف و تودد بیش بیند، در بدگمانی... زیادت کند و دامن ازو بهتر درچیند. چه اگر غفلتی ورزد... هرآینه کمین دشمن گشاده گردد... (نصرالله منشی 1381: 191)

در حقیقت، برهمن، محافظه‌کارانه تمام نکات اجتماعی و سیاسی را که شاه قادر به درک آنها نیست، در پوشش حکایت به او گوشزد می‌کند. زیرا بیشتر پادشاهان به دلیل خودخواهی و خودکامگی قادر به استفاده از عقل و خرد ناچیز خود نیستند.

ب) در مرزبان‌نامه نیز گفت‌وگوی ملک و ملک‌زاده - پادشاه و پادشاه‌زاده‌ای که می‌خواهد محافظه‌کارانه حکومت برادر را حفظ کند - بنیان داستان‌های مرزبان‌نامه را پی‌ریزی می‌کند. در حقیقت ملک‌زاده (هم‌چون برهمن در کلیله و دمنه) همهٔ نکته‌های ظریف اجتماعی و سیاسی را که شاید خود ملک، حتی با تأمل فراوان، به آنها دست نیابد، در پوشش حکایت به ملک انتقال می‌دهد تا به این وسیله محافظه‌کارانه از حکومت او جانبداری کند.

در اینجا نتیجه می‌گیریم که برهمن (در کلیله و دمنه) و ملک‌زاده (در مرزبان‌نامه) دو محافظه‌کار موفق هستند که هرگز قصد انجام تغییرات بنیادی در نظام حکومتی را ندارند بلکه می‌خواهند شاه - که مظهر اقتدار است، با خواندن داستان‌هایی که نتایج مفید اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دارد، از افراط و تفریط دوری کند و به سوی تعدیل رهنمون و در نهایت صلح و آرامش بر جامعه حاکم شود و مردم نیز در امن و راحتی به سر برند. افزون بر این، کاربرد تمثیل نیز در مرزبان‌نامه حاکی از روشی محافظه‌کارانه است.

خطیب رهبر در مقدمهٔ مرزبان‌نامه به سیاق مهذب و راوینی از زبان نویسنده اشاره می‌کند: «سیاقت مهذب عبارتست از شیوهٔ داستان‌پردازی معهود در ایران و هند یعنی بیان پند و انتقاد از زبان جانوران و گیاهان تا شنوندگان را نوشداروی تلخ نصیحت ناگوار نیفتد و فرمانروایان خودکامه را خرده‌گیری آشکار به آزار و شکنجهٔ اهل قلم برنینگیزد... (سعدالدین وراوینی 1370: مقدمه - ب)

به کاربردن مشاور در جایگاه وزیر

در کلیله و دمنه پس از سلطان (شیر)، مشاور یا وزیر نقش کلیدی و اساسی دارد. در بعضی باب‌ها آشکارا عنوان

وزیر آمده است:

باب بازجست کار دمنه از زبان مادر شیر:

و تبت این از آن زیادت باشد که در حق وزیر مخلص قهرمان ناصح [شزبه] روا داشت. (نصراالله منشی 1381: 155)

و در باب پادشاه و برهمنان، بلار وزیر یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است:

و اگر تفصیل اسامی ایشان پرسد، گوئیم: جوئر پسر، و ایراندخت مادر پسر و بلار وزیر و کاک دبیر، و آن پیل سپید که مرکب خاصه است... (همان: 352)

ولی در بیشتر داستان‌ها، صحبت از مشاور یا مشاورانی است که با چاره‌اندیشی در حل مشکلات حکومت، سلطان (شیر) را یاری می‌کنند. در حقیقت نقش مشاور، نقش وزیری است که در هر حال برای مشورت با سلطان و ارائه خدمت به حکومت و مملکت آماده است.

اگر به اصل هندی کتاب «پنچاتترا» (پنچاتترا 1341: 35) بنگریم، مشاهده می‌کنیم که عنوان وزیر به گونه مستقیم و با بسامد بالا در داستان‌ها تکرار شده است، به طور مثال در باب «نفاق دوستان» (شیر و گاو).

در خدمت شیر، دو شگال به نام کرتک (گستاخ) و دمنک (فاتح)، وجود داشتند که هر دو پسران وزیر بودند و وقتی دمنک به دربار شاه یا پنگلک (زرین‌پشت) می‌رود:

شیر چون او را از دور بدید به دربان گفت: چو بدست خود را از پیش در بردار، این دمنک پسر یکی از وزیران کهنسال ماست... (همان: 40)

یا در باب «بومان و زاغان» می‌خوانیم:

شاه زاغان بآیین نیاکان پنج وزیر داشت. (همان: 31)

و در باب «ملک الجردان و وزرائه» (شاه موشان و وزیرانش) که در ترجمه نصراالله منشی موجود نیست و دکتر

محجوب آن را ترجمه کرده، آمده است:

و در این شهر موشی مهراز نام بود که بر جمله موشان شهر و روستاهای آن، فرمانروایی داشتی و او را سه وزیر بود که با آن در مهام امور مملکت و معضلات مشاغل سلطنت مشورت در پیوستی... (محجوب 1336: 252)

به کلیده و دمنه نصراالله منشی برمی‌گردیم. در باب «بومان و زاغان» عنوان سیاسی وزیر کم‌تر مطرح شده و بیشتر به مشاوران ملک زاغان برمی‌خوریم. شاید این امر دال بر محافظه‌کاری و رعایت احتیاط در به‌کار بردن واژه‌ها و عنوان‌های سیاسی به‌گونه‌ای آشکارا و مستقیم باشد.

محافظه‌کاری در کلیده و دمنه

باب اول و دوم

شیر در باب اول و دوم کلیده و دمنه، سلطانی است محافظه‌کار و مستبد یا پادشاهی است دادگر و خواهان اجرای

عدالت؟!

شیر از کشتن شزبه ناراحت و پشیمان است، ولی در مجازات دمنه نیز

درنگ و تأخیر دارد و می‌خواهد دلایلی قطعی و استوار دال بر گناهکاری دمنه

بیابد:

... و نمی‌خواهم که در کار او (دمنه) شتابی رود که برای منفعت دیگران مضرّت خویش طلبیده باشم؛ و تا تفحص تمام نفرمایم، خود را در کشتن او معذور نشانم که اتباع نفس و طاعت هوا رأی راست و تدبیر درست را بپوشاند، و اگر به ظنّ خیانت اهل هنر و ارباب کفایت را باطل کنم، حال فوریت خشم تسکینی یابد، لکن غبن آن به من بازگردد... (نصراالله منشی 1381: 141)

این جا پرسشی برای انسان پیش می‌آید که چرا شیر (سلطان) درباره شنزبه و فادار رعایت عدالت و انصاف را به کار نبرده است؟

شاید شنزبه مانند دمنه فن بیان نداشت یا چون دمنه روان‌شناسی زیرک نبود که افکار شیر را در اراده خود داشته باشد یا شاید شیر از قتل شنزبه عبرت گرفته است، ولی نکته باریکی در رفتار او هست که می‌تواند بهترین دلیل برای اقدام به قتل شنزبه و سپس دمنه باشد، و آن «ترس و نگرانی از دست دادن مقام حکومت» و سعی در حفظ جایگاه خویش با همه توان و قدرت است.

آری شیر (سلطان) نگران است که مبادا چهره محبوب اجتماعی‌اش نزد ملت مخدوش شود. کمی به عقب برگردیم؛ دمنه هم چنان به بدگویی نسبت به شنزبه ادامه می‌دهد تا این‌که:

شیر گفت: سخن نیک درشت و به قوت راندی... و شنزبه آن‌گاه که خود دشمن باشد پیداست که چه تواند کرد و از وی چه فساد آید. و او طعمه منست و مادّت حرکت او از گیاه است و مدد قوت من از گوشت... و نیز او را امانی داده‌ام... و در احکام مروت غدر به چه تأویل جایز توان داشت؟ و بارها بر سر جمع با او ثناها گفته‌ام و ذکر خرد و دیانت و اخلاص و امانت او بر زبان رانده، اگر آن را خلافی روا دارم، به تناقض قول و رکت رأی منسوب کردم و عهد من در دل‌ها بی‌قدر شود. (نصراالله منشی 1381: 97)

می‌بینیم که شیر از سوی شنزبه خطری احساس نمی‌کند، بلکه نگرانی او از داوری مردم و انتقاد آنان است. به این دلیل می‌خواهد که در کشتن گاو اسناد و دلایل محکمی داشته باشد تا موقعیت اجتماعی او بحرانی نشود و این در واقع اقدامی محافظه‌کارانه است.

در جریان قصاص دمنه، مادر شیر نیز در آخرین گفت‌وگو با سلطان (شیر) از همین شگرد مؤثر برای مجازات دمنه استفاده می‌کند:

... [مادر شیر گفت:] و امروز حیل و مکر او [دمنه] بر هلاک ملک مقصود گردد و کارهای ملک تمام بشوراند، و تبعیت این از آن زیادت باشد که در حقّ وزیر مخلص و قهرمان ناصح روا داشت، این سخن در دل شیر موقع عظیم یافت و اندیشه به هر جایی کشید... (همان: 55)

بنابراین واکنش محافظه‌کارانه شیر درباره هر دو (شنزبه - دمنه) یکسان است. زیرا سلطان مستبد محافظه‌کار تنها نگران داوری مردم (به‌ویژه نظامیان) برای نابودی کسانی است که تا چندی قبل جزو بهترین مشاوران او بوده‌اند. پس به دنبال دلایلی عامه‌پسند (برای مجازات دمنه) می‌گردد.

پس [شیر] مادر را گفت: بازگویی از کدام کس شنودی، تا آن مرا در کشتن دمنه بهانه‌ای باشد... (همان)

و پلنگ امتناع خویش را از دادن شهادت تا آن زمان «کمال بدگمانی و حزم ملک» (همان: 156) عنوان می‌کند؟!

محافظه کاری در مرزبان نامه

باب اول (مفاوضه ملک زاده با دستور)

مرزبان نامه از سویی بر این باور است که پادشاه از فره ایزدی و تأیید الهی برخوردار است و از سوی دیگر رعایت عدالت را ضرورتی انکارناپذیر برای ثبات و تداوم حکومت می‌داند.

مرزبان در این راه (تحقق عدالت اجتماعی) آشکار و صریح از پادشاه وقت - برادرش - انتقاد می‌کند:

من چون صحیفه احوال تو مطالعه کردم، قاعده ملک تو مختل یافته و قضیه عدل مهمل دیدم، گماشتگان تو در اضاعت مال رعیت دست به اشاعت جور گشاده‌اند... بازار خردمندان کساد یافته و کار زیردستان به عیث و فساد زبردستان زیر و زبر گشته... (سعدالدین وراوینی 1370: 48 - 49)

مرزبان از رواج بی‌عدالتی و ظلم و ستم در سرزمین خود شکوه می‌کند و انگشت اتهام را به سوی کارگزاران حکومتی نشانه می‌رود که از مقام و جایگاه خود، برای تعدی و ظلم به حقوق زیردستان استفاده می‌کنند. او این شیوه را خلاف شیوه و روش پدران و پیشینیان خود ارزیابی می‌کند. مرزبان در واقع ریشه نابسامانی جامعه را عدول از رسوم گذشتگان می‌داند. او محافظه‌کار زیرکی است که ثبات حکومت برادر خود را در گرو پیروی از راه و روش پدران و نیاکان خردمند - که همانا تحقق عدالت اجتماعی است - می‌داند و پادشاه را از پیامد روی‌گردانی از راه و رسم گذشتگان برحذر می‌دارد:

می‌ترسم از وبال آن خرق که در خرق عادات پدران می‌رود که ... حبل نسل به انتفاض رسد و عهد دولت به انقراض انجامد، فُقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِینَ ظَلَمُوا: نابود شد بنیان گروهی که ستم کردند. (انعام 6: 6) (همان: 52)

او هم چون دیگر محافظه‌کاران، خواهان حفظ حکومت و تداوم آن است و در این راه هرگز به سنت‌های آبا و اجدادی پشت نکرده و به پیروی از سنت‌های ارزشمند پیشین ترغیب می‌نماید.

در اینجا نتیجه می‌گیریم که نگاه مرزبان نامه به سیاست، محافظه‌کارانه است که در آن تقلید از سنت‌ها، مهم و باارزش تلقی شده و از سکون و ایستایی و حفظ وضع موجود، در برابر پویایی و تغییر و تحول و برهم زدن موضع موجود، طرفداری می‌شود:

از مردم دانا و دوربین شنیدم که هرچ نیکو نهاده بود، نیکوتر منه، مبدا که از آن تغییر و تبدیل و مبالغت در اکمال تعدیل نقصانی به وضع حال درآید... (سعدالدین وراوینی 1370: 463)

باب پنجم (داستان دادمه و داستان)

در این حکایت، از سلطان (شیر) به هنگام خواب حرکتی سهو سر می‌زند. دادمه به این حرکت می‌خندد. شاه مستبد از شدت خشم یا خجالت او را به زندان می‌افکند. اگر سعی و تلاش «داستان»، یار باوفای او، مؤثر واقع نمی‌شد، دادمه به مرگ محکوم می‌شد.

از زبان وراوینی بشنوید:

شیر را دو شگال زیرک طبع ... ندیم و انیس بود؛ یکی دادمه و دیگر داستان. هر دو به مزید قربت ... محرم اسرار مملکت گشته... روزی ملک ... خوش خفته و هر دو بر بالین او نشسته، افسانه می‌گفتند... درین میان ملک را بادی از مخرج معتاد، رها شد. دادمه را خنده ناگهان بیامد... (همان: 280)

در حقیقت حکایت به گونه‌ای محافظه‌کارانه بیان می‌کند که پادشاهان تا چه میزان خودخواه، مستبد، کم‌خرد و غیرقابل اعتماد هستند و دوستان و نزدیکان خود را با کمترین خطا به مرگ محکوم می‌کنند.
باب ششم (داستان زیرک و زروی)

در این داستان، زروی، بُز نری است که سرپرست گلّه گوسفندان است، ولی به دلیل ذات پلید و شروری که دارد؛ گوسفندان را می‌آزارد، طوری که شبان او را به بازار برده و به قصاب می‌فروشد.

زروی از قصاب می‌گریزد و وارد باغی می‌شود که همسر قصاب با باغبان آن باغ، سر و سرّی دارد. معرکه‌ای به پا می‌شود و این، همان چیزی است که زروی طالب آن است تا فرار کند.

زروی با سگی به نام «زیرک» آشنا می‌شود. او سگ گله است، ولی از گله بازمی‌ماند. زروی، زیرک را تشویق می‌کند تا فرمانروای حیوانات شود. سگ خود را لایق این کار نمی‌داند، ولی زروی با چرب‌زبانی و چالاکی او را ملزم به پذیرش فرمانروایی می‌کند. حیوانات هم که از ظلم و ستم حاکمان زمان خسته شده‌اند، اطاعت او را می‌پذیرند.

نویسنده در قالب طنز سیاسی مطرح می‌کند که: زیرک، سگی که از عهده حفظ گلّه بر نمی‌آید، به مقام فرمانروایی حیوانات می‌رسد. بزرگ‌ترین حامی و پشتیبان او نیز موجودی پلید و شرور (زروی) است. او در واقع در پوشش محافظه‌کاری عنوان می‌کند که: همه پادشاهان بی‌اصل و نسب، رذالت و دون‌پایگی سگ (زیرک) را دارند و چیزی بیش از این نیستند.

نتیجه

«کلیله و دمنه کتاب علوم سیاسی، قدیمی‌ترین کتاب در این رشته است و موضوع آن راه و رسم کشورداری، روش و منش پادشاه در برابر زیردستان و وزیران و امیران و ... است» (محبوب 1378: 252). در نظام حکومت شاهنشاهی، کنسرواتیزم اصلی مهم و اساسی است زیرا نظام سلطنتی همواره محافظه‌کارانه به نوعی قائل به وجود نابرابری در بین افراد بشر است. در این نظام حسب و نسب اصلاتی تمام دارد؛ ثروت نشانه شایستگی خانواده‌هاست و باید سنت‌ها و روش‌های پیشینیان محترم شمرده شود.

پیدایش و تدوین کلیله و دمنه براساس راه‌کارهای کنسرواتیزم است. زیرا در این کتاب علوم سیاسی، برهن کنسرواتیزی است که در گفت‌وگوهای خود با رای هند به گونه‌ای محافظه‌کارانه خواهان حفظ حکومت و استحکام آن است. در کلیله و دمنه شاه مظهر قدرت است و خواهان حفظ وضع موجود. وی با گوش دادن به قصه‌های برهن از نتایج اجتماعی - سیاسی آنها درس عبرت می‌گیرد و می‌آموزد که چگونه می‌توان زیرکانه قدری از فشار استبداد بر مردم کاست تا سلطنت سال‌های

بیشتری استمرار یابد.

در *مرزبان‌نامه* نیز همچون *کلیله و دمنه*، مرزبان، شاهزاده‌ای کنسرواتیو است که راه‌کارهای محافظه‌کارانه را در قالب حکایت به پادشاه می‌آموزد تا بقای سلطنت او را تداوم بخشد. امروزه نیز حکومت سلطنتی انگلستان، بهترین نمود قدرت کنسرواتیزم در حزب غالب (محافظه‌کار) این کشور است، به گونه‌ای که برخلاف دیگر کشورهای اروپایی و غیراروپایی، طرفدار استمرار حکومت سلطنتی هستند.

کتابنامه

- آشوری، داریوش. 1368. فرهنگ سیاسی. چ 14. تهران: مروارید.
- بشیری، حسین. 1384. آموزش دانش سیاسی. چ 5. تهران: نگاه معاصر.
- پنچا تترا. 1341. ترجمه دکتر ایندوشیکهر. تهران: دانشگاه تهران.
- سعدالدین وراوینی. 1370. *مرزبان‌نامه*. به کوشش خطیب رهبر. چ 4. تهران: صفی علی‌شاه.
- علیزاده، حسن. 1377. فرهنگ خاص علوم سیاسی. چ 1. تهران: روزنه.
- محبوب، محمدجعفر. 1336. درباره کلیله و دمنه. تهران: خوارزمی.
- _____ . 1378. خاکستر هستی. چ 1. تهران: مروارید.
- نصرالله منشی. 1381. *کلیله و دمنه*. به تصحیح مجتبی مینوی. چ 23. تهران: امیرکبیر.